

درسنامه عربی ویژه اربعین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درستامه زبان عربی در اربعین

نویسنده: منصور محسنی جزیره

ویراستار علمی: دکتر منصوره سادات طالب الحق

قطع: رقعی / ۵۶ صفحه

کلیه حقوق این اثر متعلق به اداره آموزش حرم مطهر رضوی است.

معاونت اداری و پشتیبانی

اداره آموزش حرم مطهر رضوی

فهرست

| | |
|---|----|
| مقدمه | ۵ |
| درس اول : خوش آمدگویی و جملات دعائی | ۶ |
| درس دوم: جملات خواهشی | ۷ |
| درس سوم : ادات استفهام | ۸ |
| مثال‌های مرتبط به درس ادوات استفهام | ۹ |
| افعال پر کاربرد لهجه | ۱۳ |
| درس چهارم : آدرس‌یابی | ۱۵ |
| افعال مرتبط به آدرس‌یابی | ۱۷ |
| درس پنجم : اعضاء بدن | ۱۹ |
| درس ششم: پوشاک و وسائل شخصی | ۲۱ |
| درس هفتم : زمان | ۲۳ |
| درس هشتم: ساعت | ۲۵ |
| درس نهم: ضمائر | ۲۷ |
| درس دهم : اصطلاحات حرم مطهر | ۲۸ |
| درس یازدهم : کرایه ماشین | ۳۰ |
| درس دوازدهم: بازار | ۳۲ |

پیوست ۱ ۳۳

مکالمه اول: آشنایی بین زائر ایرانی و میزبان عراقی ۳۴

مکالمه دوم: آدرس و نشانی ۳۶

مکالمه سوم: گفتگو با راننده ۳۸

مکالمه چهارم: در موبک ۴۰

مکالمه پنجم: خرید سیم کارت ۴۲

پیوست ۲ ۴۴

وسایل موردنیاز برای پیاده‌روی اربعین ۴۵

راه‌های سفر زمینی به عراق ۴۹

مرزهای مشترک ایران و عراق ۴۹

آغاز مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا ۴۹

«طریق العلماء» یا «طریق الفرات» ۵۰

مسیر پیاده‌روی اربعین از سمت مهران ۵۴

فاصله‌های مهم در پیاده‌روی اربعین ۵۴

شماره عمود موبک‌های ایرانیان در محور نجف کربلا ۵۷

مقدمه

پیاده روی اربعین نشان دهنده این است که این راه، راه عشق است
منتهی نه عشق مجنونانه، عشق به همراه بصیرت، مثل عشق اولیا به خدا
(مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۹/۳)

با عنایت به اینکه هر سال توفیق زیارت اربعین حسینی شامل حال زائرین از تمام نقاط این کره خاکی می شود و در این دانشگاه عظیم و کنگره بین المللی درس های فراوانی برای دوستداران اهل البیت وجود دارد؛ همه ساله خدام حرم مطهر امام مهربانی ها با حضور در این راهپیمایی عظیم به عنوان زائر و یا خادم مواکب اربعینی حضور می یابند. لذا از ضروریات این سفر آشنایی با جملات و اصطلاحات پرکاربرد زبان عربی برای خدمت بهتر به زائرین می باشد.

کتاب پیش رو توسط اساتید زبان عربی آموزش حرم مطهر رضوی گردآوری و تدوین شده است.

این کتاب به زبان عربی با رویکرد لهجه عراقی نوشته شده و برای یادگیری بهتر و آسان تر از کلمات و اصطلاحات پرکاربرد استفاده شده است. همچنین در پیوست ۱ مکالمات رایج و در پیوست ۲ نکات مهم در خصوص سفر و نقشه مربوط به آن گردآوری شده است.
امیدواریم با مطالعه این درسنامه بیش از پیش از برکات مادی و معنوی این سفر بهره مند شوید.

اداره آموزش حرم مطهر رضوی

درس اول: خوش آمدگویی و جملات دعائی

وقتی به زبان دیگری صحبت می‌کنیم مهم است که ادب را رعایت کنیم، مخصوصاً وقتی به خارج سفر می‌کنیم. نزاکت جنبه کلیدی در برقراری ارتباط با جهان کنونی دارد.

| ردیف | اصطلاح عربی | اصطلاح فارسی | خانم | آقا | جمع |
|------|------------------------|-------------------------|------------------------|-----------------------|-------------------------|
| ۱ | أَهْلًا وَسَهْلًا | خوش آمدید | أَهْلًا وَسَهْلًا يَجِ | أَهْلًا وَسَهْلًا يَك | أَهْلًا وَسَهْلًا يَكُم |
| ۲ | هَلْهَ إِزْوَلَر | خوش آمدید زائرین | هَلْهَ إِزْوَلَرِه | هَلْهَ إِزْوَلَر | هَلْهَ إِزْوَلَر |
| ۳ | تَشْرَفْ بِحُضُورِکُمْ | به حضورتان شرفیاب شدیم | تَشْرَفْ بِحُضُورِج | تَشْرَفْ بِحُضُورِک | تَشْرَفْ بِحُضُورِکُمْ |
| ۴ | مُتَشَاقِقِينَ الْكُم | دلگستان شدیم | | | |
| ۵ | اللّٰهُ يُخَلِّیک | خدا نگهدارتان باشد | | | |
| ۶ | اللّٰهُ یَحْفَظُک | خدا حفظتان کند | | | |
| ۷ | اللّٰهُ یُعِزُّک | خدا عزت دهد | | | |
| ۸ | اللّٰهُ یَجْوِیک | خدا قوت | | | |
| ۹ | اللّٰهُ یَسِّرْ عَلَیک | خدا حفظت کند | | | |
| ۱۰ | اللّٰهُ اِیْرِزْکَک | خدا روزی تو را زیاد کند | | | |

درس دوم: جملات خواهشی

در حرم مطهر غالب جملات و کلمات مورد استفاده شده عربی با توجه به نوع جغرافیای مکان و نوع خدمت ارائه شده تذکری است لذا نیاز است قبل از شروع هر جمله ای از کلمات خواهشی استفاده نمائیم. ابراز کلماتی چون «لطفاً» و «متشکرم» در تمام زبان‌ها متداول است. داشتن شناخت اولیه راجع به چنین کلماتی می‌تواند بسیار به کمک آید.

| ردیف | اصطلاح عربی | اصطلاح فارسی | خانم | آقا | جمع |
|------|-------------------|--|-------------------------------------|--------------|-----------------|
| ۱ | رَجَاءٌ | لطفاً | لَرْجُوجْ | لَرْجُوكْ | لَرْجُوكُمْ |
| ۲ | لَوْسَمِحت | با اجازه شما | سَامِحِینِی | سَلِیحِنی | سَلِیحِونِی |
| ۳ | بِالْزَحْمَةِ | بی زحمت | زَاِحْمِنَاچ-ش | زَاِحْمِنَاک | زَاِحْمِنَاکُمْ |
| ۴ | مِنْ فَضْلِک | خواهشاً، لطفاً | مِنْ فَضْلِج-ش | مِنْ فَضْلِک | مِنْ فَضْلِکُمْ |
| ۵ | الْعَفْوُ/عَفْواً | بیخشید | - | - | - |
| ۶ | بِالْمَعْذِرَةِ | عذر تقصیر | عُذْرِینِی | اِعْذِرْنی | عُذْرِونِی |
| مثال | ردیف | عربی | فارسی | | |
| | ۱ | رَجَاءُ رُوحِ مِناک | لطفاً از آن طرف بروید | | |
| | ۲ | سَامِحِنی خُوْیَهِ اِلْزَمِ الطَّرِیقِ | برادرم اجازه بده، از این مسیر برو | | |
| | ۳ | بِالْزَحْمَةِ اَوْکِفْ بِالسَّرَّةِ | بی زحمت تو صف بایستید | | |
| | ۴ | مِنْ فَضْلِک اُرِیدَ بَطَّانِیَهِ | لطفاً یک پتو می‌خواهم | | |
| | ۵ | الْعَفْوُ اِهنا اَکُو مَراحِیل- مَنایل- مَرافِیق - صَحِیات | بیخشید اینجا سرویس بهداشتی هست؟ | | |
| | ۶ | اِعْذِرْلی خُوْیَهِ دَعِمتُ بیک | برادر من را ببخش که بهت پرخورد کردم | | |

درس سوم: ادات استفهام

بعد از احوال‌پرسی مختصر و استفاده از جملات خواهشی می‌رسیم به سئوالات متداولی که بین خدام و زائر منتقل می‌شود.

| ردیف | اصطلاح عربی | دلالت بر اصطلاح فارسی | معادل فارسی | مثال عربی | ترجمه فارسی |
|------|--------------|-----------------------|-------------|--------------------------------------|-------------------------|
| ۱ | وین | مکان | کجا | وین نگیر نَسْترِیح؟ استراحت کنیم؟ | کجایم توایم؟ |
| ۲ | اِشَلُون | چگونگی | چگونه | اِشَلُون اَجِیت اِهنا؟ | چطوری اینجا آمدی؟ |
| ۳ | کَیف | حالت | چطور | کَیف صَحْتُک؟ | حال شما چطوره؟ |
| ۴ | مَنْ | شخص | چه کسی | اِترِید مَنْ؟ | چه کسی را می‌خواهی؟ |
| ۵ | لِیش | علت | چرا | لِیش هَاذِ الْبَابِ مَسْدُود؟ | چرا این در بسته است؟ |
| ۶ | أی - یا | انتخاب | کدام | أی بَوَّابَه طَلَعَتْ؟ | از کدام ورودی خارج شدی؟ |
| ۷ | (۱) بَیش | مقدار | چند | بَیش الْقَمِیص؟ | پیراهن چند؟ |
| | (۲) اِشْکَد | | چقدر | اِشْکَد ظَل؟ | چقدر مانده؟ |
| | (۳) اِشْکَر | | چه تعداد | اِشْکَر وَکْت عِنْدَک؟ | چقدر زمان مانده؟ |
| | (۴) جَم (کم) | | چه اندازه | جَم کِیلو اِترِید؟ | چند کیلو می‌خواهی؟ |
| ۸ | شِ | ماهیت یا چستی | چه | شِئو؟ اِشْصَاِیر؟ | چییه؟ چی شده؟ |

مثال‌های مرتبط به درس ادوات استفهام:

وین (پرسش از محل و مکان)

- وین دیرتک؟ (اهل کدام شهری؟)
 وین نگدر نستریح؟ (کجا می‌توانیم استراحت کنیم؟)
 وین السوگ؟ (بازار کجاست)
 وینک؟ (کجایی/آقا) - وینچ؟ (کجایی/خانم) - وینکم (کجایید)
 من وین آخابر؟ (از کجا زنگ بزنی؟)
 تیکرم وین المرافق؟ (بیخشید سرویس بهداشتی کجاست؟)
 وین مکان الصلاه للنساء؟ (محل نماز بانوان کجاست؟)

اشلون: پرسش از حال و چگونگی انجام کار

- اشلونک؟ (چطوری/آقا) اشلونچ (چطوری/خانم) اشلونکم (چطورید)
 اشلون اجیت اهنّا؟ چطوری آمدی اینجا؟
 اشلون اروح للوادی السلام؟ چطور به قبرستان وادی السلام بروم؟
 اشلون بیه اروح للکوفه؟ چطور می‌توانم به کوفه بروم؟
 اشلون نحجز للمضيف؟ چطور بلیط مهمانسرا را رزرو کنیم؟
 کیف حالک (کیفیک)؟ (حالت چطوره/آقا) کیف حالچ (کیفیچ)؟ (حالت چطوره/خانم) کیف حالکم (حالتان چطور است)
 اشلون بیه اشوفک/اشوفچ/اشوفکم: چطور می‌توانم ببینمت؟

مالمن (مال کیست، پرسش از وسیله یا شخص بی صاحب)

- مالمن هاذ البیرق؟ (این پرچم مال کیست؟)
 مالمن های الجنطه؟ (این کوله مال کیست؟)

بیش (چرا - پرسش از دلیل کاری)

بیش ما تمشی؟ (چرا حرکت نمی کنی؟)
 بیش تمشی علی کیفک ... حیل؟ (چرا آهسته میروی ... زود باش؟)
 بیش اتاخرت اهواي؟ (چرا اینقدر دیر آمدی؟)
 بیش هِلگد غالی؟ (چرا اینقدر گرون است؟)

یَمَت / اِشوکت (چه وقت - پرسش از زمان)

یَمَت اِتحرک یا ساییق، مستعجلین؟ (آقای راننده کی حرکت می کنی، عجله داریم)
 یَمَت / اِشوکت ایوزعون الّاکیل؟ (کی / چه زمان غذا را توزیع می کنند؟)
 یَمَت / اِشوکت ایاذن؟ (کی اذان گفته می شود؟)
 اِشوکت اِططیر الطیاره؟ هواپیما کی پرواز می کند؟
 یَمَت ایفتحون الطريق : راه کی باز می شود؟
 الیَمَت لازم نوگف: تاکی باید اینجا بایستیم؟

آی / یاهو (کدام / پرسش در زمان انتخاب)

ای فندق ارخص؟ کدام هتل ارزونتر است؟
 یا / ای بلد؟ کدام کشور؟
 یاهو احسن؟ کدام بهتر است؟
 یا موکب عنده مبيت؟ کدام هیئت محل استراحت دارد؟
 من یا طریق اتروح؟ از کدام راه می روی؟
 اهنا یا هو المسئول؟ اینجا چه کسی مسئول هست؟

بیش (چقدر پرسش از قیمت و ساعت)

بیش الساعه؟ (ساعت چنده)
 بیش التربه؟ (مهر چنده)
 بیش السبحه؟ (تسبیح چنده)

بیش المصلايه؟ (سجاده نماز چنده)

بیش سعر الدينار / دولار (قیمت دینار / دلار چنده؟)

اشگد (چقدر، پرسش از اندازه و مقدار)

اشگد باجی / باقی للنجف؟ تا نجف چقدر مانده است؟

اشگد تاخذ، اتروح للسامرا والکاظمین و سید امحمد و ترجع؟ (چقدر

می گیری، تا سامرا و کاظمین و سید محمد بروی و برگردی؟)

اشگد ظل اتغبط السیاره؟ (چقدر مانده ماشین پر شود؟)

اشگد سعر الحافله / المنشئ اتغبط کامل حد الشلمچه؟ (قیمت اتوبوس

درست تا شلمچه چنده؟)

اشگد الأجره / الكروه؟ (کرایه چقدره؟)

اشگد نبقی اهنا؟ (تاکی اینجا بمانیم؟)

اشگد تعاملکم حلو انتم العراقیه! (شما عراقی ها چقدر برخوردتان خوب است!)

مَن جنابکم؟ / مَن حضرتج الکریمه؟ / مَن انت؟ (جنابعالی که هستید؟)

منو اهی (اون خانم کیست؟)

من (چه کسی) منو مرافقک؟ (همراهیت آقا) کیست؟)

من (کیه) هذا منو؟ هذا ابوی. (این آقا کیست؟ این پدرم است.)

های منو؟ های بتی. (این خانم کیه؟ این دخترمه)

علی منو ادور؟ دنبال کی می گردی؟

منو شیفیت؟ (چه کسی را دیدی؟)

منو تنتخب؟ (چه کسی را انتخاب می کنی؟)

منو خبرنی؟ (با چه کسی دارم تلفنی) صحبت می کنم؟)

ش (چه) شنو (چه پرسش از ماهیت و چیستی شیء یا شخص)

شترید؟ (چی می‌خوای؟)

شسمک؟ (اسمت چیست؟)

شستسوی؟ (چیکار می‌کنی؟)

اشدعواک؟ (چی می‌خواهی؟)

شنو رقم الدار؟ (پلاک خانه چند است؟)

شنو مشکلتک؟ (مشکلتان چیست؟)

لعد شنسوی؟ (خوب چکار کنیم؟)

اش صار؟ (چی شد؟)

شخبارج؟ (چه خبر خانم؟) شخبارک؟ (چه خبر آقا؟)

کم (چه مقدار پرسش از اندازه و مقدار)

کم / چم مقدار باجی / باقی؟ (چقدر باقی مانده؟)

چم / کم سنه متزوج؟ (چند است سال ازدواج کردید؟)

چم / کم اطفال عدک؟ (چند تا بچه دارید؟)

چم / کم سنه عمرک / چ؟ (چند سالتونه؟)

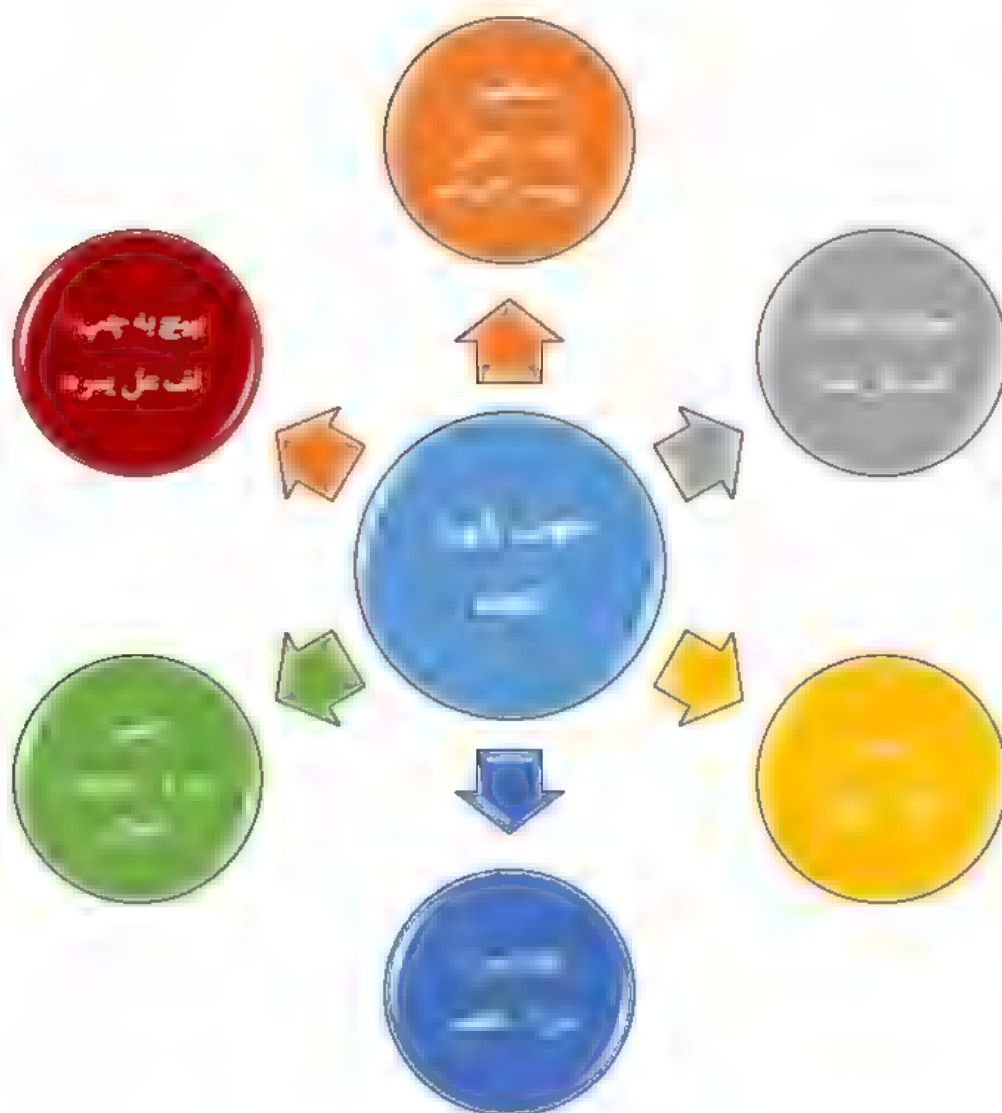
جماعتکم چم نفرات؟ (گروهتون چند نفرند؟)

افعال پر کاربرد لهجه

| ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | | ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | |
|------|-------------|----------------|-------------|------|-------------|------------|----------|
| | | مرد | زن | | | مرد | زن |
| ۱ | مرو | رُوح | رُوحی | ۱۶ | خالی کن | خَلّ | خَلّی |
| ۲ | بیا | تَعَال | تَعَلّی | ۱۷ | بردار | خُذ | خُذی |
| ۳ | بشین | اِئْعَد | کِعدی | ۱۸ | بذار | حُطّ | حُطّی |
| ۴ | پاشو | کُوم | کُومی | ۱۹ | بنویس | اِکْتَب | کِتبی |
| ۵ | ادامه بده | دِیم | دِیمی | ۲۰ | پاک کن | اِمْسَح | مِسحی |
| ۶ | مرگرد | اِرْجِع | رِجعی | ۲۱ | راه برو | اِمْشِ | اِمشی |
| ۷ | دور بزن | اِفْتِر | اِفتری | ۲۲ | بدو | اِکْضِ | رِکْضی |
| ۸ | بیچ | لَفّ | لَفّی | ۲۳ | هل بده | اِدْفِع | دِفعی |
| ۹ | بیاتو | دِش | دِشی | ۲۴ | بکش | حَرّ | جَرّی |
| ۱۰ | برو بیرون | اِطْلِعْ بَرّا | طِلعی بَرّا | ۲۵ | واریز کن | اِدْفَع | دِفعی |
| ۱۱ | بخور | اِکَل | اِکلی | ۲۶ | مرداشت کن | اِسْحَب | سِحبی |
| ۱۲ | بنوش | اِشْرَب | شِربی | ۲۷ | تاپ کن | اِطْبِع | طِبعی |
| ۱۳ | بریز | حَبّ | حَبّی | ۲۸ | بفرست | اِبْعَث | بِعثی |
| ۱۴ | جمع کن | لَمّ | لَمّی | ۲۹ | ارسال کن | حَاوِل | حَاوِلی |
| ۱۵ | پُر کن | اِتْرَس | تِرسی | ۳۰ | دریافت کن | اِسْتَلَم | اِسْتلمی |

| ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | | ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | |
|------|-------------|------------|-----------|------|-------------|------------|----------|
| | | مرد | زن | | | مرد | زن |
| ۳۱ | بین | شُوف | شُوفی | ۴۶ | آویز کن | عَلَّك | عَلَّکی |
| ۳۲ | پرت کن | اِشْمَر | اِشْمِری | ۴۷ | خشک کن | یَبِس | یَبِسی |
| ۳۳ | بگو | كُول | كُولی | ۴۸ | خیس کن | نَكع | نَكعی |
| ۳۴ | ساکت باش | اِنْجَب | اِنْجِبی | ۴۹ | رعایت کن | رَاع | رَاعی |
| ۳۵ | تعریف کن | سُولف | سُولفی | ۵۰ | مراقب باش | اِلْزَم | اِلْزَمی |
| ۳۶ | کوش کن | اِسْمَع | اِسْمعی | ۵۱ | بمان | ظَلَّ | ظَلَّی |
| ۳۷ | رنگ بزن | اِتَّصِل | اِتَّصِلی | ۵۲ | بخواه | رِید | رِیدی |
| ۳۸ | رد بده | اِکْطَع | کِطعی | ۵۳ | التماس کن | اِتَمَنَّ | اِتَمَنی |
| ۳۹ | امضاء کن | وَكع | وَكعی | ۵۴ | شکن | اِکْسِر | کِسری |
| ۴۰ | لنگشت بزن | اِبْضَم | بِصمی | ۵۵ | پخش کن | طِشَر | طِشِری |
| ۴۱ | برو بالا | اِصْعَد | صَعْدی | ۵۶ | بپوش | اِلْبِس | لِیسی |
| ۴۲ | بیابان | اِنْزَل | نِزلی | ۵۷ | در بهار | اِنْزِع | لِزعی |
| ۴۳ | بگیر | کِض | کِضی | ۵۸ | بیار | حِیْب | حِیْبی |
| ۴۴ | ول کن | قَلَّت | قَلَّتِی | ۵۹ | بیر | وَدَّ | وَدَّی |
| ۴۵ | بشور | اِغْسِل | غِسلِی | ۶۰ | کوتاه کن | کَصَّر | کَصَّری |

درس چهارم: آدرس‌یابی



مثال‌های درس آدرس‌یابی:

۱. لطفاً از این طرف برو: رَجَاءٌ رُوحٍ مِنَّا
۲. اگر ممکن است از اینجا برخیزید و آن سمت بنشینید: بِإِلَازِحْمِهِ كُومٍ
(گومی) مِنَّا وَ رُوحٍ (رُوحی) مِنَّا كِغْدی
۳. لطفاً همین راهرو را تا آخر ادامه بدهید، بعد به سمت چپ بپیچید
کنار پله: بِإِلَازِحْمِهِ دِیم (دیمی) هَاذِ الطَّرِيقِ لِلنَّهَایِهِ بَعْدِین (ثم) لَف (لَفی)
عَل یسره یَم الدَّرَج
۴. ببخشید سرویس بهداشتی کجاست؟ عُدْرًا وِین صَایِر مَرَاقِقِ الصِّحَّیَّهِ -
حَمَامَات - دُورِهِ المِیَاه - مَنَاسِل ؟
۵. ببخشید در راه نایستید و بفرومائید روی صندلی بنشینید: عُدْرًا لَا
تَوَكِّف (لاتوگفین) بِالطَّرِيقِ وَ رَجَاءٌ تَفَضَّل (تَفَضَّلِی) اِکْعِد (کِغْدی) عَل
سِکْمَلِی (کرسی)
۶. لطفاً مستقیم بروید، بعد با آسانسور به طبقه دوم بروید: لَوْ سَمِحت
رُوح (رُوحی) کِبَل (سیده) عَلِی طُول (جد) ثُمَّ اصْعَد مِن المِصْعَد طَابِق
الثَّانِی
۷. لطفاً همین راه رو تا آخر برو: رَجَاءٌ رُوحٍ عَلِی طُول
۸. لطفاً وسط راهرو که رسیدی بپیچ دست چپ: عَفَوًا وَصِلْتَ (وَصِلْتِی)
وَسَط الصَّالِهِ لَف (لَفی) عَل یسره.
۹. لطفاً برید زیرزمین بعد بپیچید سمت راست و از اطلاعات / خدام
بپرسید: رَجَاءٌ رُوح (رُوحی) جَوَا بَعْدِین لَف (لَفی) عَل یَمْنِهِ وَ اسْئَل (اسْئَلِی)
مِن الاسْتَعْلَامَات لَوْ الخِدْمَه.

افعال مرتبط به آدرس‌یابی

| ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | | ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | |
|------|-------------|------------|-------------|------|--------------|-------------|--------------|
| | | مرد | زن | | | مرد | زن |
| ۱ | مرو | رُوح | رُوحی | ۱۱ | بین | شُوف | شُوفی |
| ۲ | بیا | تعال | تعلی | ۱۲ | راه برو | إمشِ | إمشی |
| ۳ | پاشو | كُوم | كُومی | ۱۳ | پیرس | إسئل | إسئلی |
| ۴ | بلیست | أوكف | أوكفی | ۱۴ | بیچ | لف | لفی |
| ۵ | مرکرد | إرجع | رجعی | ۱۵ | دور بزن | إفتر | إفتری |
| ۶ | برو بالا | اصعد فُوك | صعدی فُوك | ۱۶ | مردار / بگیر | إخذ | إخدی |
| ۷ | مرو پائین | انزل تحت | یزلی تحت | ۱۷ | ندو | لأتركض | لأتركضین |
| ۸ | برو بیرون | أطلع برّا | طلعی برّا | ۱۸ | گوش کن | إسمع | سمعی |
| ۹ | بیاتو | أدخل | دخلی | ۱۹ | بامن بیا | تعال وِیّای | تعالی وِیّای |
| ۱۰ | رد شو | فوت - اتعد | فوتی - تعدی | ۲۰ | بگو | گول | گولی |

| ردیف | افعال فارسی | افعال عربی | ردیف | افعال فارسی | افعال عربی |
|------|--------------|--------------------------------------|------|------------------|--|
| ۲۱ | کنار | يَم - حَنْب | ۴۱ | پذیرش | الِِسْتِقْبَال |
| ۲۲ | دیوار | طُوف، جِدَار | ۴۲ | آسانسور | مِصْعَد |
| ۲۳ | بعد | ثُمَّ، تَعْدِينَ | ۴۳ | پله | دَرَج |
| ۲۴ | به سمت | صُوب - اِتِّحَاه | ۴۴ | پله برقی | دَرَج كَهْرْبَائِي |
| ۲۵ | این طرف | هَنا | ۴۵ | طبقه زیر زمین | طابق تَحْتَانِي |
| ۲۶ | آن طرف | هَناكَ | ۴۶ | طبقه هم کف | طابق اَرْضِي |
| ۲۷ | نرده | حاجِز | ۴۷ | طبقه اول | طابق اَوَّل |
| ۲۸ | راهرو | مَمَر | ۴۸ | طبقه دوم | طابق ثَانِي |
| ۲۹ | قفسه کتاب | رَفَّالْکُتُب | ۴۹ | طبقه سوم | طابق ثَالِث |
| ۳۰ | مبل | غَنَفَه آرِيكَه | ۵۰ | طبقه چهارم | طابق رَابِع |
| ۳۱ | صندلی | سِكْمَلِي - كُرْسِي | ۵۱ | پشت بام | سَطْح - فَوْق الدَّار |
| ۳۲ | درب | بَاب | ۵۲ | کفش‌داری | كِشْوَالِيَه - اِيْدَاءِ الْحَذِيَه |
| ۳۳ | درب شیشه‌ای | بَاب رُجَاجِي لَاحَام | ۵۳ | گلدان | مَزْهَرِيَه |
| ۳۴ | درب اتوماتیک | بَاب اَتُومَاتِيكِي | ۵۴ | ستون | أَسْطُوَانَه عَمُود |
| ۳۵ | اطلاعات | إِسْتِعْلَامَات | ۵۵ | ایستگاه پرستاری | مَحْطَه الْمُمَرِّضِينَ |
| ۳۶ | صف | سَرَه | ۵۶ | بخش | قِسْم |
| ۳۷ | میدان | سَلَحَه | ۵۷ | دوربین مدار بسته | كاميرا خَفِيَه |
| ۳۸ | چهارراه | مُفْتَرَق | ۵۸ | تابلو | لَوْحَه - لَافِتَه |
| ۳۹ | خیابان | شَارِع | ۵۹ | ساعت | سَاعَه |
| ۴۰ | کوچه | فَرع، سِيكَه، دَرْبُونَه - رُقَاق | ۶۰ | تابلو نقاشی | لَوْحَه رَسْم |

درس پنجم: اعضاء بدن

| ردیف | فارسی | عربی | مثال عربی | مثال فارسی |
|------|----------|----------------------|---|---|
| ۱ | مو | شعر | عِدَّكَ مَشَطِ الشَّعْرِ؟ | شانه موی سر داری؟ |
| ۲ | سر | رأس | رَأْسِي يُوجِعُ، عِدَّكَ حَبَّ النَّخْدِيرِ؟ | سر من درد می‌کند. قرص سردرد داری؟ |
| ۳ | چشم | عين | عَيْنِي دَشَتْ بِبِهِ اِثْرَابُ، عِدَّكَ كَطْرَه؟ | داخل چشمم خاک رفته. قطره داری؟ |
| ۴ | لب | بَرَطْمَه | بَرَطْمِي اِنْشَكَ، عِدَّكَ ضَمَاد نُعُومَه؟ | لبم شکاف برداشته، پماد نرم‌کننده داری؟ |
| ۵ | خون دماغ | نَف رِاعِف رِاعاف | صَارَ بِي رِاعاف، عِدَّكَ كَطْن؟ | خون دماغ شدم، پنبه داری؟ |
| ۶ | گوش | أُذُن-ذَان | ذَانِي دَشَ بِبِهِ هَوَا، عِدَّكَ كَطْرَه؟ | گوشم هوا گرفته، قطره داری؟ |
| ۷ | دهان | حَلَك | حَلَكِي يَلِسُ، عِدَّكَ شَاي / چای؟ | دهانم خشک شده، چای داری؟ |
| ۸ | چاله | خَنَج-خَنَك | خَسِي مَجْرُوح، وَبِنَ اَرْوَحِ اَرْوَقَه / وَبِنَ اَرْوَحِ لِنْدَرِيزِ الحُرْح؟ | چاله‌ام زخمی شده، کجا بروم بخیه بزنم؟ |
| ۹ | بینی | أَنف-خِشَم | خِشْمِي مَجْرُوح، أَرِيدُ الطَّيِّبِ. | بینی‌ام زخمی شده، دنبال پزشک هستم. |
| ۱۰ | کردن | رِكْبَه | رِكْبَتِي اِلْجَرَحَتْ، عِدَّكَ لِرَكَه؟ | گردلم زخمی شده چسب زخم داری؟ |
| ۱۱ | سرشانه | جَتَف | جَتَفِي تَعَابُ، بِلَا زَحْمَه فِرَكَه | شانه هام خسته است، لطفا ماساژ بده |
| ۱۲ | دست | اِيد-يَد | اِيدِي خَدْرَانَه | دستم بی حس شده. |
| ۱۳ | آرنج | مِرْقَق | اغْسِلْ اِيدَك مِّنَ المَرِاقِ | دستت را از آرنج بشور |
| ۱۴ | کف دست | خِيف | وَبِنَ صَايِرِ مَقَامِ خِيفِ العَبَّاسِ؟ | مقام دست حضرت عباس کجاست؟ |

| ردیف | فارسی | عربی | مثال عربی | مثال فارسی |
|------|-------|-----------------------------|--|--|
| ۱۵ | انگشت | إصبع / جمع أصابع | أصابعی خدرانه، ضِغطی خافض عَدَّک شِیکَلت؟ | انگشتانم بی حس شده، فشارم پائین آمده، شکلات داری؟ |
| ۱۶ | شکم | بطن | بَطْنی تَلوی، عَدَّک عَرَّک مَرَدَفوش لو نَعناع لو غصیر الیمون | دل پیچه دارم عرق پونه یا عرق نعناع یا آب لیمو داری؟ |
| ۱۷ | پهلوی | خاَصِرَه / صفحه | خاَصِرَتی تُوَجع، أَحس مُشکِلَه الزائده الذودیه | پهلویم درد می‌کند، احساس می‌کنم مشکل آپالندیس دارم |
| ۱۹ | ران | فَخَذ | فَخَذی امطکک آرهد ضَماد لِتَحْرِیک | رانم عرق سوز شده، پماد سوختگی می‌خواهم |
| ۲۰ | زانو | رَکَنه | ار کَبی مَشلولات، عَدَّک کم طَیبب العظام | زانوهایم بی رمق شده متخصص ارتوپد دارید؟ |
| ۲۱ | ساق | ساق | ساق رِجلی الیسَرَه تُوَجعنی مِنْ التَّعَب | ساق پای چپم از خستگی درد می‌کند |
| ۲۲ | پا | رِجِل / رِیل | رِجلیَّه کُلش تَعَبانه، اِشَوَیه نَسْتَرِیح | پاهایم خیلی خسته‌ست کمی استراحت کنیم |
| ۲۳ | کف پا | باطِن القَدَم / راحه الرِهل | راحه رِیلی مُتَوَرَّمه | کف پایم تاول زده |
| ۲۴ | پوست | حِلد / یلد | حِلدی یا بَس، عَدَّک کریم النُعومَه؟ | پوستم خشک شده کرم نرم‌کننده داری؟ |
| ۲۵ | دندان | ضِرس | ضِرسی یُوَجع / ضِرسی مُتَسَوَّس / عَدَّک رَشائنه تَخدیر | دندانم درد می‌کند / دندانم پوسیده / اسپری مسکن داری؟ |
| ۲۶ | ناخن | اضِفِر / اضِفِر | اضِفِرِی اِنکِیسِر | ناخنم شکست |
| ۲۷ | عرق | عَرَّک | عَرَّکُتْ لِهَوای، عَدَّک مای بارَد؟ | خیلی عرق کردم آب سرد داری؟ |

درس ششم: پوشاک و وسائل شخصی

| ردیف | فارسی | عربی | ردیف | فارسی | عربی |
|------|----------|--------------------|------|-------------|----------------------|
| ۱ | کلاه | كَبُوس، قُبْعَه | ۱۶ | کت و شلوار | بَدَلَه |
| ۲ | عینک | نَظَّارَه | ۱۷ | چنگک لباس | مُعَلَّق |
| ۳ | چفیه | جَفِيَه | ۱۸ | زاکت | جَاكِيَت |
| ۴ | شال گردن | لَقَاف | ۱۹ | چادر | شَادُور |
| ۵ | کروات | رَبَطَه | ۲۰ | پارچه | قُمَاش |
| ۶ | پیراهن | قَمِيص | ۲۱ | عبای عربی | عَبَّيَه |
| ۷ | تی شرت | فَلِيْئَه | ۲۲ | مالتوی عربی | فُسْتَان |
| ۸ | کمربند | اِحْزَام/حِزَام | ۲۳ | روسری عربی | شِيْلَه |
| ۹ | کلشن | جَنْط/مِعْطَف | ۲۴ | دامن | تَلَّورَه |
| ۱۰ | شلوار | بَنْطَلُون | ۲۵ | روسری | مِشْمَر |
| ۱۱ | جوراب | جَوَارِب | ۲۶ | لباس زیر | مَلَابِس داخِلِيَه |
| ۱۲ | کفش | اَلْحَذِيَه/جِذَاء | ۲۷ | دستکش | جُفُوف - قُفَّاز |
| ۱۳ | دمپایی | نَعَال | ۲۸ | حوله | خَاوِلِيَه-مِنْشَفَه |
| ۱۴ | صندل | شَحَاط | ۲۹ | مسواک | فِرْجَه الْأَسْنَان |
| ۱۵ | کت تک | سِتْرَه | ۳۰ | خمیر دندان | مَعْجُون الْأَسْنَان |

| ردیف | فارسی | عربی | ردیف | فارسی | عربی |
|------|---------------|--|------|-----------------------|-----------------------------|
| ۳۱ | ناخن گیر | مِرطافه | ۴۳ | سیم کارت | شَرِیخَه ایرانیَه عراقیه |
| ۳۲ | نخ | خِیَط | ۴۴ | فعال کردن سیم کارت | تَشغیل الشَّرِیخَه |
| ۳۳ | سوزن | مِیدِر-ایره | ۴۵ | شارژر | شَحَّاقَه |
| ۳۴ | کالسکه بچه | عَرَبَه الأطفال | ۴۶ | کارت شارژ | رَصید |
| ۳۵ | پوشک بچه | حَفَافَه الطِّفْلِ-حَفَافَه- فُوطَه الطِّفْلِ | ۴۷ | رمز کارت | رَقْم السِّر |
| ۳۶ | نوار بهداشتی | سَدادات کُطنیه- فُوطَه-مِندیل صِغی-سَلَت | ۴۸ | حافظه (رم) | دَاکِرَه ، بَطاقَه اس دی |
| ۳۷ | ایزی لایف | جَفَافَه الرِّجَال - حَشوماص | ۴۹ | پول | اِفْلوس |
| ۳۸ | دستمال کاغذی | کَلینکس مِندیل نَشافَه | ۵۰ | پول خرد | خَرِدَه |
| ۳۹ | چتر | مِظَلَه-شَمسیّه | ۵۱ | پول اسکناس | نُوط |
| ۴۰ | کیسه پلاستیکی | عَلَاکَه | ۵۲ | عطر | عَطِر-رِیخَه |
| ۴۱ | کارت اعتباری | بِطاقَه مَصْرَف | ۵۳ | ساعت | ساعَه |
| ۴۲ | موبایل | جَوَال-نَقَالَه | ۵۴ | سنجاق قفلی | جَلاب |

درس هفتم: زمان

| ردیف | عربی | فارسی | ردیف | عربی | فارسی |
|------|----------------------------|------------|------|---|------------------------------|
| ۱ | فجر | فجر | ۲۸ | هَلَسَنَه | امسال |
| ۲ | صباح | صبحگاه | ۲۹ | عَامُ الْمَاضِي | پارسال |
| ۳ | صُحَى | قبل از ظهر | ۳۰ | سِنَتَيْنِ كَبْلَ | دو سال قبل |
| ۴ | نهار | روز | ۳۱ | سَنَه الْقَادِمَه / الْجَدِيدَه | سال جدید |
| ۵ | مَسَاء | بعد از ظهر | ۳۲ | هَلَشْهَر | این ماه |
| ۶ | عَصِر | عصر | ۳۳ | شَهْرُ الْكَبَلِ | ماه قبل |
| ۷ | مَغْرِب | غروب | ۳۴ | شَهْرَيْنِ كَبْلَ | دو ماه قبل |
| ۸ | عِشَاء | شامگاه | ۳۵ | شَهْرَيْنِ بَعْدَ | دو ماه بعد |
| ۹ | لَيْل | شب | ۳۶ | هَلِاسْبُوع | این هفته |
| ۱۰ | مُنْتَصَف / نَصُ اللَّيْلِ | نصف شب | ۳۷ | أُسْبُوعُ الْكَبَلِ | هفته قبل |
| ۱۱ | هَلْيَوْم | امروز | ۳۸ | أُسْبُوعَيْنِ كَبْلَ | دو هفته قبل |
| ۱۲ | هَلَلَيْلَه | امشب | ۳۹ | أُسْبُوعَيْنِ بَعْدَ | دو هفته بعد |
| ۱۳ | بَلَّحِر | فردا | ۴۰ | ذِكْرَى السَّنَوْتَه | سالگرد |
| ۱۴ | أَمْسَ | دیروز | ۴۱ | كُل سَنَه / شَهْر / أُسْبُوع / يَوْم | هر سال / ماه / هفته / روز |
| ۱۵ | بَارِحَه | دیشتب | ۴۲ | جَوْ حَارَّ | هوا گرم است |

| ردیف | عربی | فارسی | ردیف | عربی | فارسی |
|------|-------------------------------|-------------|------|-------------------|-------------------|
| ۱۶ | عَکَبْ بِلْچِرْ / بَعْدَ غَدَ | پس فردا | ۴۳ | جَوَّارِدَ | هواسرد است |
| ۱۷ | أَوَّلَ أَمْسَ | پریروز | ۴۴ | جَوَّوِيسَ | هوا عالی است |
| ۱۸ | قَرْن | قرن | ۴۵ | جَوَّ مَنَلَجَ | هوا برفی است |
| ۱۹ | سَنَهْ / عام | سال | ۴۶ | جَوَّ مَمَطَّرَ | هوا بارانی است |
| ۲۰ | مَوْسِمَ | فصل | ۴۷ | جَوَّ الْمُغْبِرَ | هوا غبار آلود است |
| ۲۱ | شَهْرَ | ماه | ۴۸ | السَّبْتِ | شنبه |
| ۲۲ | أُسْبُوعَ | هفته | ۴۹ | الأحد | ۱شنبه |
| ۲۳ | يَوْمَ | روز | ۵۰ | الاثنين | ۲شنبه |
| ۲۴ | مَوْسِمَ ربيع | فصل بهار | ۵۱ | الثلاثاء | ۳شنبه |
| ۲۵ | مَوْسِمَ صيف | فصل تابستان | ۵۲ | الأربعه | ۴شنبه |
| ۲۶ | مَوْسِمَ خريف | فصل پائیز | ۵۳ | الخميس | ۵شنبه |
| ۲۷ | مَوْسِمَ شتاء | فصل زمستان | ۵۴ | الجمعه | جمعه |

درس هشتم: ساعت

ساعت

فرمول گفتن ساعت به عربی: بِل + عدد ساعت + و + عدد دقیقه +
اصطلاح دقائق یا دقیقه

مثال: ساعت ۱۰:۱۰ دقیقه است: ساعه بِل + عَشْرَه + و + عَشْر + دقائق
از دقیقه ۱ تا ۱۰ در اصطلاح آخر از دقائق استفاده می‌کنیم

مثال: ساعت ۲:۵۰ دقیقه است: ساعه بِل + ثَنین + و + خَمْس + دقائق
از دقیقه ۱۱ تا ۶۰ در اصطلاح آخر از دقیقه استفاده می‌کنیم

مثال: ساعت ۶:۵۰ دقیقه است: ساعه بِل + سِتَه + و + خَمْسین + دقیقه
جهت تعیین اوقات روز از اصطلاح روز: نهار / عصر: مساءً / شب: لیل
استفاده می‌نمائیم

مثال: ساعت ۱۰:۱۲ دقیقه شب است: ساعه بِل + عَشْرَه + و + اِثْنَعَش
دقیقه لیلاً

برای اصطلاح‌های دقیقه به جای رب: ربع / ۲۰ دقیقه: ثلث / نیم: نَص
می‌توان استفاده نمود

❖ نکته: باید توجه نمود که در صورت استفاده از این اصطلاحات،
همانگونه که در فارسی از کلمه دقیقه آخر استفاده نمی‌شود در عربی نیز
به همان صورت عمل خواهیم نمود

مثال: ساعت ۵:۱۵ است: ساعه بِل + خَمْسَه + و + ربع

مثال: ۲۰:۲۰ دقیقه است: ساعه بِل + ثَمَانِیَه + و + ثَلث + لیلاً
برای اصطلاح «مانده به» در فارسی از «الا» استفاده می‌شود.

مثال: ۹:۵۵ دقیقه است یا ۵ دقیقه به ۱۰ است: ساعه بال + تِسْعَه + و +
خَمْس و خَمْسین دقیقه

لو بِل + عَشْرَه + الا خمس دقائق

مثال: ساعت ۳:۴۵ دقیقه است یا یه رب به چهار است: ساعه بالثلاثه +

+ خمس و اربعین دقیقه

لو بِل + اربعه + الا + ربع

درس نهم: ضمائر

| ردیف | فارسی | ضمیر منفصل | | ضمیر متصل | | مثال منفصل | | مثال متصل | |
|------|-------|------------|--------|-----------|----|----------------|----------------|-----------|--------|
| | | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن |
| ۱ | من | أنا/انی | آن آنی | ی | ی | آنی آنروح | انی آنروح | کتلی | کتلی |
| ۲ | تو | أنت | إنتی | ک | چ | أنت آنروح | إنتی آنروحین | کتلیک | کتلیچ |
| ۳ | او | هُوَ | هَیْ | ها | ها | هُوَ یَروح | هَی یَروح | کتلیه | کتلیه |
| ۴ | ما | إِحنَا | إِحنَا | نا | نا | إِحنَا یَروح | إِحنَا یَروح | کتلینا | کتلینا |
| ۵ | شما | إِنتُم | إِنتُن | کم | چن | إِنتُم یَروحون | إِنتُن یَروحون | کتلیکم | کتلیچن |
| ۶ | آنها | هُمَّا | هُنَّ | هم | هن | هُمَّا یَروحون | هُنَّ یَروحون | کتلیهم | کتلیچن |

درس دهم: اصطلاحات حرم مطهر

| ردیف | عربی | فارسی | ردیف | عربی | فارسی |
|------|------------------------------------|-----------------------|------|--|-----------------|
| ۱ | صِحَّيات / حَمَامَات | سرویس‌های بهداشتی | ۱۶ | حَك الْبَرْكَة | تبرکی |
| ۲ | مَشْرِبَة | انخوری | ۱۷ | رِيشَة | جوب پر |
| ۳ | مُتَوَضِّأ - اِمَوْضَايَه | وضوخانه | ۱۸ | مِیدَال | نشان خدمتی |
| ۴ | اَلنَّبُوْهَة | شیر آب | ۱۹ | مَكْتَبُ الْاَمَانَات | دفتر امانات |
| ۵ | خَاص لِلنِّسَاءِ | ویژه بانوان | ۲۰ | مَكْتَبُ الْمَعْتَوِرِین | دفتر پیداشدگان |
| ۶ | مِصْعَد | آسانسور | ۲۱ | فِیْسَمُ الْکَامِیرَا | مانیتورینگ |
| ۷ | دَرَج کَهْرَبَائِی | پله برقی | ۲۲ | مَسْئُول الْاِنْضِبَاط | مسئول انتظامات |
| ۸ | بَرَادَة | آب سردکن | ۲۳ | مَكْتَبُ الْاِنْضِبَاط | دفتر انتظامات |
| ۹ | مَدْخَل | ورودی | ۲۴ | مَكْتَبُ النُّذُور | دفتر نذورات |
| ۱۰ | اِیْوَانُ ذَهَبِی | ایوان طلا | ۲۵ | مَكْتَبُ الصَّوْت - سَمَاعَة | بلندگو |
| ۱۱ | خَاص لِلْمُعَالِمِین | ویژه معقولین | ۲۶ | شُبَّاح / مَقَام | بنجره / ضریح |
| ۱۲ | نَقَالُ الزُّوَارِ الْکَهْرَبَائِی | زائر بر برقی | ۲۷ | مَقَام رَاس الشَّرِیْف | بالاسر حضرت |
| ۱۳ | مُعْتَصِم | بست | ۲۸ | مَقَام تَحْتَ الْقَدَمِین الشَّرِیْفَة | پائین پای مبارک |
| ۱۴ | مَغْسَلَة الرِّجْلِ | پاشویه | ۲۹ | مَقَام مُوَاجِهَة الشَّرِیْفَة | پیشرو مبارک |
| ۱۵ | تَدْخِین مَمْنُوع | استعمال دخانیات ممنوع | ۳۰ | مَقَام خَلْف الشَّرِیْف | پشت سر مبارک |

| ردیف | عربی | فارسی | ردیف | عربی | فارسی |
|------|-------------------------|----------------------|------|-----------------------|---------------|
| ۳۱ | صُورَه مَمْنُوع | تصویربرداری ممنوع | ۴۵ | مَبِيت | استراحتگاه |
| ۳۲ | كِسْوَانِيَه | كفش‌داری | ۴۶ | سَجَّادَه | فرش |
| ۳۳ | مُعَلَّق | مَعْلُول | ۴۷ | سَيَّارَه غُسل | ماشین شستشو |
| ۳۴ | شَايِب، شَيْخ | پیرمرد | ۴۸ | كُبَّه | گنبد |
| ۳۵ | عَجُوزَه، شَايِبَه | پیرزن | ۴۹ | بَابُ الدَّهْبِي | درب طلا |
| ۳۶ | صَبِي - طِفْل | بچه | ۵۰ | رَايَه | پرچم |
| ۳۷ | بَاب مَسْدُود | در بسته است | ۵۱ | مِظَلَّه | سایبان |
| ۳۸ | بَاب مَفْتُوح | درباز است | ۵۲ | مَقْتُل | قتلگاه |
| ۳۹ | الْعَتَبَه مُرَدِّحَمَه | حرم شلوغ است | ۵۳ | عَلَاكَه | کیسه پلاستیکی |
| ۴۰ | الْعَتَبَه فَارِغَه | حرم خلوت است | ۵۴ | مَكْتَبَه | کتابخانه |
| ۴۱ | نَافُورَه | فواره | ۵۵ | لَطْم | سینه زنی |
| ۴۲ | حَوْض مَای | حوض آب | ۵۶ | رَادُود | مداح |
| ۴۳ | عَلَك | پارچه سبز | ۵۷ | مَرَاثِمُ التَّغْسِيل | مراسم شستشو |
| ۴۴ | خَلُوطَات | شیرینی جات | ۵۸ | مِلَح | نمک |

درس یازدهم: کرایه ماشین

| ردیف | فارسی | عربی | مثال عربی | مثال فارسی |
|------|---------------------|-------------------------|---|---|
| ۱ | کرایه کردن | أَخَذَ الْكَرْوَه | أَرِيدُ الْكَرْوَهَ حَافِلَه، مُنِشِي، وَين الْكَارَاج؟ | می‌خواهم اتوبوس کرایه کنم ترمینال کجاست؟ |
| ۲ | کرایه | كَرْوَه | إِشْتَكِدِ الْكَرْوَه مِنْ إِهْبَا السَّجَفِ كُلِّ نَهْر؟ | کرایه هر نفر از اینجا تا نجف چند است؟ |
| ۳ | دریست | غِط | بِلا زَحْمَه أَرِيدُ كُوسْتِرَ غِطَّصَه | بی زحمت یک مینی بوس دریست می‌خواهم |
| ۴ | تخفیف بده/ تخفیف | خَفَّفْ، تَخْفِيفَات | خَفَّفِ الْكَرْوَه غَالِي، رَحِمَهُ اللهُ وَالتَّحَبُّك | کرایه را کم کن، خیلی گران است، خدا پدر و مادر تو را بیامرزد. |
| ۵ | چانه زدن | تَكْأَشِر | أَرِيدُ التَّكْأَشِرَ عَلِّ السَّعْرِ الْكَرْوَه | می‌خواهم سر کرایه چانه بزنم |
| ۶ | راننده | سَاقِي | سَاقِي، بَالِكْ عَلِّ الطَّرِيقِ | آقای راننده خواهی به جاده باشی. |
| ۷ | اتوبوس | حَافِلَه مُنِشِي | أَرِيدُ لِحِطَه مُنِشِي لِلْحَمَلَه، إِشْتَكِدِ الْكَرْوَه؟ | برای کلان اتوبوس دریست می‌خواهم، کرایه‌اش چند است؟ |
| ۸ | مینی بوس | كُوسْتِر | إِشْتَكِدِ الْكَرْوَه بِالكُوسْتِرِ كُلِّ نَهْر؟ | کرایه هر نفر با مینی‌بوس چند است؟ |
| ۹ | ون | كَبَّه | أَرِيدُ لِي كَبَّهَ إِجْمَا لِنَعِيشِ نَهْر. | یک ون برای ۱۲ نفر می‌خواهم. |
| ۱۰ | تاکسی سواری | تَكْسِي | إِشْتَكِدِ الْكَرْوَه كُلِّ نَهْر؟ | کرایه هر نفر با تاکسی سواری چند؟ |
| ۱۲ | جاده | طَرِيق-سَبَّكَه-رَسَنَه | زَجَاءَ إِمَشِي عَلِّ سَبَّكَه- رَسَنَه بِا سَاقِي | آقای راننده لطفا روی جاده حرکت کن |
| ۱۳ | پل | جِسْر | مِنْ فَضْلِكَ نَازِلَ عِدْكَ بِمِ الْجِسْرِ الْكَرْوَه | لطفا کنار پل انقلاب پیاده می‌شوم |
| ۱۴ | میدان | فَلَكَه سَاخَه | مِنْ فَضْلِكَ إِفْتَرِ الْفَلَكَه بَعْدِيْنَ عَلِّ يَسْرَه أَوْ كَف | لطفا میدان را دور بزن و سمت چپ بایست |

| ردیف | فارسی | عربی | مثال عربی | مثال فارسی |
|------|----------------|-----------------------|---|---|
| ۱۵ | چهارراه | مُفْتَرَق | بِلا رَحْمَةٍ عِدَّكَ رَاكِبَ يَم الْمُفْتَرَقِ الصَّادِقِ | بی رحمت کنار چهارراه صادق یک نفر سوار می شود |
| ۱۶ | شهر | مَدِينَة - دِيرَة | أَرِيدُ أَرْوَحَ دِيرَةِ الْكَاطِمِينَ وَيْسَ أَرْوَحَ | من حوالهم به شهر کاظمین برم. از کجا بروم |
| ۱۷ | تند رفتن | حَبِلَ / ابْسرعه | إِمْعُود. لَا تَمِشْ حَبِلَ | تند نرو |
| ۱۸ | آهسته/کم کم | إِشْوَيْهَ إِشْوَيْهَ | عَلَى كَيْمِكَ إِشْوَيْهَ إِشْوَيْهَ تَصِلُ | آرام باش، کم کم می رسیم |
| ۲۱ | پلیس راهور | شُرْعَةُ الْمُرُورِ | حَلِّ نَسْتَلِ الطَّرِيقِ مِنْ شُرْعَتِهِ لِمُرُورِ | بگذار راه رو از پلیس راهور بپرسیم |
| ۲۲ | لیست بازرسی | سَيِّطْرَة | خَضِرُوا جَوَازَاتِكُمْ وَضَلْنَا لِلسَّيِّطْرَةِ | گذرنامه ها را آماده کنید به بازرسی رسیدیم |
| ۲۳ | تابلو راهنما | لَوْحَةٌ - لَافِتَه | جَم كِيلُو ظَلِّ لِلْسَّامِرَاءِ مَا كُتِبَ فِي لَافِتِهِ؟ | چند کیلومتر به سامرا مانده |
| ۲۴ | سوپر مارکت | مَتَجَر | أَرِيدُ أَشْتَرِي بِسَكِتٍ مِنْ مَتَجَرٍ | من خواهم بیسکویت از سوپر مارکت بخرم |
| ۲۶ | رستوران | مَطْعَم | جَوَعَانِينَ، وَصَلْتَ لِلْمَطْعَمِ، أَوْ كَفْ | همه گرسنه اند به رستوران رسیدی بایست |
| ۲۷ | ایستگاه صلواتی | مَوْكَب | يَا سَائِقُ، لَوْ شِفْتَ مَوْكَبَ، أَوْ كَفْ رَجَاءً | آقای راننده اگر ایستگاه صلواتی دیدی، بایست |

درس دوازدهم: بازار

| ردیف | عربی | فارسی | ردیف | عربی | فارسی |
|------|------------------|--------------|------|-------------------------|----------------|
| ۱ | سُوق-سوک | بازار | ۱۹ | اَشْتَرَى | مخرم |
| ۲ | مَحَل | فروشگاه | ۲۰ | أَبِيعَ | می فروشم |
| ۳ | حائِوَت | مغاره | ۲۱ | أَبْدَاعُ-عَرَبُونَ | بیعله |
| ۴ | مَعْرَص | نمایشگاه | ۲۲ | أَتَنخِبُ | انتخاب می کنم |
| ۵ | مَتَجَر | سوپرمارکت | ۲۳ | أَقْتَرِحُ | پیشنهاد می کنم |
| ۶ | بَسَاط | دستفروش | ۲۴ | أَنْفَصِلُ-أَعِزُّ | جدا کنم |
| ۷ | بَيَّاع | فروشنده | ۲۵ | أَتَفَرِّقُ-أَتَقَى-تکی | سوا کنم |
| ۸ | زَبُون | مشتری | ۲۶ | سَوَى | درست کن |
| ۹ | شَرَّای | خریدار | ۲۷ | أَدْفَعُ | پرداخت کنم |
| ۱۰ | مَطْعَم | رستوران | ۲۸ | أَسْحَبُ | برداشت کنم |
| ۱۱ | مَرْطَبَات | آبمیوه فروشی | ۲۹ | أَتَرِسُ | پر کنم |
| ۱۲ | مَقْهَى | قهوه خانه | ۳۰ | خَلَّى | بذار |
| ۱۳ | جَلَّاق، زَبَّان | ارایشگاه | ۳۱ | أَعْطِیْنِ-أَطِیْنِ | بده |
| ۱۴ | سَبِخَه | تسبیح | ۳۲ | أَخَذَ | بردار |
| ۱۵ | أَمْضَاثِیَه | سجاده نمار | ۳۳ | بَاقِی الْاِفْلَوس | مانده پول |
| ۱۶ | أَعَاب | اسباب بازی | ۳۴ | أَشْكَدُ صَارَ | چقدر شد |
| ۱۷ | عَصِیر | آب میوه | ۳۵ | جَم وَحَدَه | چند تا |
| ۱۸ | بُوظَه/آیس کریم | بستنی | ۳۶ | أَرِیدَ | می خواهم |

پیوست ۱
مکالمات پر کاربرد



تهیه و تنظیم: عبدالمحسن محسن نسب

مکالمه اول: آشنایی بین زائر ایرانی و میزبان عراقی

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|-------------------------------|--|--------|
| سلام | سلامَ عَلَیکُم | عراقی |
| سلام | عَلَیکُم السَّلام وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ | ایرانی |
| خوش آمدی زائر | هَلَا بَیکَ زَایِر [جمع - هَلَا بَیکُم] | عراقی |
| متشکرم | أَشْکُرُکَ | ایرانی |
| بفرما زائر | تَفَضَّلْ زَایِر [جمع - تَفَضَّلُوا] | عراقی |
| از شما ممنونم | أَشْکُرُکَ | ایرانی |
| خدا قوت | اللَّهُ یَسَاعِدُکَ | عراقی |
| خدا قوت | اللَّهُ یَسَاعِدُکُم | ایرانی |
| مأجور باشید. | مَأْجُورَینَ | عراقی |
| اجرتان با خدا | أَجْرُکُمُ اللَّهُ. | ایرانی |
| اهل کجایی؟ | مِنْ وَیْنِ [نِت؟] [جمع-مَیْلَینِ] [نَکُو؟] | عراقی |
| من ایرانیم | أَنی اِیرانی | ایرانی |
| از کجا آمده‌ای؟ | مَیْنِ جَای؟ | عراقی |
| از خراسان آمده‌ام | إِحِیتَ مِنْ خُرَاسان. | ایرانی |
| نامت چیست؟ | شِیمْکَ؟ | عراقی |
| نامم محسن است. تو نامت چیست؟ | إِسمی محسن وَ إِنْتَ شِینو إِسمْکَ؟ | ایرانی |
| من ابوعلی هستم. شغل شما چیست؟ | أَنی ابوعلی، شِینو عَمَلْکَ؟ | عراقی |

| | | |
|--------|--|--|
| ایرانی | أَنِي أَخْدُمُ بِالْعَتَبَةِ الرُّضْوِيَّةِ . | من در (حرم امام رضا(ع))، آستان قدس رضوی خدمت می‌کنم. |
| عراقی | مِنْ إِشْوَكَيْتِ إِطْلَعْتَ؟ | از چه ساعتی حرکت کردی؟ |
| ایرانی | مِنْ السَّاعَةِ خَمْسَةِ الصَّبْحِ . | از ساعت ۵ صبح |
| عراقی | إِشْكَدْ صَارَ لَكَ مِنْ إِطْلَعْتَ تِمَشِي. | چه مدت است که پیاده روی را شروع کرده ای؟ |
| ایرانی | صَارَ يَوْمِينَ أَمْشِي . | دو روز است که پیاده روی می‌کنم. |
| عراقی | مَأْجُورِينَ، أَجْرُكُمْ عَلَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ). | مأجور باشید. اجرتان با امام حسین(علیه السلام). |
| ایرانی | أَجْرُكُمْ اللَّهُ. عَظْرًا عَلَى الْإِزْعَاجِ. | اجرتان با خدا. بابت مزاحمت عذرخواهم. |
| عراقی | الْعَفْوُ، الْبَيْتِ بَيْتِكَ. أَخَذَ رَاحَتَكَ . | دواهش می‌کنم. منزل خودتان است. راحت باش. |
| ایرانی | مَشْكُور (أَشْكُرَكَ) | سپاسگزارم. |
| عراقی | أَنِي بِلِخْدَمِهِ. آسَفِينَ عَلَى الْقُصُورِ. | من در خدمت. بابت کم و کسری ببخشید. |
| ایرانی | الْعَفْوُ، مَا كَوْ قُصُورِ. | خواهش می‌کنم. کم و کسری وجود ندارد. |
| عراقی | إِسْتَلْكُمْ الدَّعَاءَ . | التماس دعا. |
| ایرانی | دُعَاكَ أَحْوَجَ . فِي مَانِلَا، [فِي أَمَانِ اللَّهِ] | من بیشتر به دعایت محتاجم. خدا حافظ |
| عراقی | مَعَ السَّلَامَةِ . | به سلامت |

مکالمه دوم: آدرس و نشانی

| مکالمه به لهجه عراقی | ترجمه |
|--|---|
| زائر ایرانی: السلام علیکم | سلام |
| رهگذر عراقی: وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته | سلام |
| زائر ایرانی: الله یساعدک | خدا قوت |
| رهگذر عراقی: الله یساعدک حبیبی | خدا قوت، دوست من |
| زائر ایرانی: ألعذره | ببخشید (معذرت می‌خواهم) |
| رهگذر عراقی: العفو، تفضل. | خوارش می‌کنم، بفرما |
| زائر ایرانی: ممکن أسئل جم سؤال؟ | ایمکانش هست چندتا سؤال بپرسم؟ |
| رهگذر عراقی: نعم، تفضل، أسئل. | بله، بفرما بپرس؟ |
| زائر ایرانی: من وین یتبدأ طریق المتشایه؟ | مسیر پیاده روی اربعین از کجا آغاز می‌شود؟ |
| رهگذر عراقی: یتبدأ الطريق الرئيسی، من التجف إلى كربلاء | مسیر اصلی (مرکزی) از تجف شروع می‌شود تا کربلا |
| زائر ایرانی: إشلون أکدر اوصل إلى طریق المتشایه؟ | چگونه می‌توانم خودم رابه مسیر پیاده روی برسانم. |
| رهگذر عراقی: أول روح کُبل، بعدین إمشی جهة اليسار | ابتدا مستقیم برو، سپس سمت چپ حرکت کن |
| زائر ایرانی: وین یقع موكب إمام الرضا (ع)؟ | موكب امام رضا (ع) کجا واقع شده است؟ |
| رهگذر عراقی: أظن أكو واحد یم عمود مبین و خمسة و إلمکین | به نظرم یکی از موكب ها کنار ستون ۲۸۵ است |
| زائر ایرانی: إشکد باقی تعد حتی نوصل کربلاء؟ | چقدر راه باقی مانده است که به کربلا برسیم؟ |
| رهگذر عراقی: باقی آلف و مِبتین عمود. | ۱۲۰۰ ستون دیگر باقی مانده است. |
| زائر ایرانی: أكو مكان للإسترلحه فی هذا الموكب؟ | در این موكب جایی برای استراحت وجود دارد؟ |

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|---|--|--|
| بله، یک سالن ویژه بانوان و یکی برای آقایان وجود دارد. | رهگذر عراقی ۲ ای نعم، توجده فاعه خاصه للنساء و فاعه ثانيه للرجال. | |
| صاحب موکب کیست ؟ | رهگذر عراقی ۲ مینو صاحب الموکب ؟ | |
| ابو احمد صاحب موکب، همان کسی که جلوی درب ایستاده | رهگذر عراقی ۲ أبو أحمد صاحب الموکب، ذاک إلی واکف کدّام الباب. | |
| ببخشید، سرویس بهداشتی مردانه کجاست؟ | رهگذر عراقی ۲ عفواً، وین مرافق الرجال ؟ | |
| پشت این چادر، سمت راست. | رهگذر عراقی ۲ ورا هاذی الخیمه جیه الیمین. | |
| زائر! چه اتفاقی افتاده ؟ | رهگذر عراقی ۲ زایر! إشصایر ؟ | |
| خسته ام، پایم درد می کند. | رهگذر عراقی ۳ تعبان، رجلی توجعنی. | |
| چرا، سوار ماشین نمی شوی؟ برای شما بهتر است. | رهگذر عراقی ۳ لیش ماتر کب سیتاره؟ أحسن لک. | |
| نه، باید به خاطر آقا و مولایم حسین (ع) تحمل کنم. | رهگذر عراقی ۳ لا، لازم أتحمل فداءً لسیدی و مولای الحسین (ع) | |
| آجرتون با امام حسین (ع). | رهگذر عراقی ۳ أجرک مع أبا عبدالله. | |
| و اجر شما همچنین، إن شاء الله. | رهگذر عراقی ۳ و أجرکم، إن شاء الله. | |
| در این موکب جایی برای استراحت وجود دارد؟ | رهگذر عراقی ۳ أکو مکان للإستراحه فی هذا الموکب؟ | |

مکالمه سوم: گفتگو با راننده

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|--|----------------------|--|
| سلام | زقرایرانی | سلامّ علیکم |
| سلام | راننده عراقی | علیکم السلام و رحمة الله و برکاته |
| مأجور باشید! | زقرایرانی | مأجورین! |
| أجرتان با خدا . | راننده عراقی | آجرکم الله! |
| بیخشید (معذرت می خواهم) | زقرایرانی | ألمعذره |
| خواهش میکنم، بفرما . | راننده عراقی | العفو، تفضل . |
| ترمینال (گاراژ) کجاست ؟ | زقرایرانی | وین الکراج ؟ |
| این ترمینال است، شما کجا می خواهید بروی. | راننده عراقی | هذا الکراج . وین إترید إتروح ؟ |
| میخواهم به محف بروم. کرایه تاکسی چقدر است؟ | زقرایرانی | أرید أروح للمحف . إشكد کروة إلتکسی ؟ |
| شما چند نفر هستید؟ | راننده عراقی | چم نفر إنتم (إنتو)؟ |
| ما چهار نفریم ، شما راننده ای ؟ | زقرایرانی | إحنه أربع نفرات . أنت السائق ؟ |
| کرایه ی هر نفر ده هزار دینار . | راننده عراقی | إی نعم ، کروة کل نفر عشرة آلاف دینار . |
| خیلی گران است. کرایه اتوبوس چند است. | زقرایرانی | إهوايه غالی . أجرة الباص إشكد؟ |
| کرایه اتوبوس ، پنج هزار دینار . | راننده عراقی | أجرة الباص ، خمسة آلاف دینار . |
| خوب ، اتوبوس کجاست ؟ | زقرایرانی | لین ، وین الباص ؟ |

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|--|---|---------------|
| بفرما، سوار شو و روی همین صندلی بنشین. | إتمّضْ إصْعَدْ و اجلسْ عَلَى هَذَا السِّكْمَلِ | دانشنده عراقی |
| این کیف برای شماست ؟ | هاذی الحقیبه إلك ؟ | |
| بله ،این کیف من است . | ای نعم ، حقیبتی . | زائر ایرانی |
| تا نجف چقدر و چند ساعت راه است ؟ | إشكّد المسافه للنّجف و یم ساعه فی الطریق ؟ | |
| نزدیک ۲۰۰ کیلومتر، یعنی حدوداً شش ساعت در راهیم. | فریب أربعمیه کیلو ، یعنی حدود ست ساعات فی الطریق. | دانشنده عراقی |
| چرا حرکت نمی کنی ؟ | لپش ما تمشی ؟ | زائر ایرانی |
| یک نفر کم است. | ناکص نفر واحد | دانشنده عراقی |
| موفق باشی . | الله یوفقک . | زائر ایرانی |
| زنده باشی، حاج آقا . | الله یسلمک، حی . | دانشنده عراقی |

مکالمه چهارم: در موکب

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|---|---|-------------|
| خدا قوت | الله یساعدک | زائر ایرانی |
| خدا قوت | الله یجوّیک | رهگذر عراقی |
| معذرت می خواهم | المعذره | زائر ایرانی |
| خواهش میکنم، بفرما. | العفو، تفضل. | رهگذر عراقی |
| می‌خواهم به خیابان شهید بروم. از کجا باید بروم. | أريد أروح الشارع للشهداء من وين أروح؟ | زائر ایرانی |
| از خیابان مُحْتِم برو، انتهای خیابان سمت چپ. | روح من شارع المُحْتِم، إنتهاء الشارع جهة اليسار. | رهگذر عراقی |
| بعد از آن، کجا می‌خواهی بروی؟ | بعدین وين إنترهد إنروح؟ | |
| نمی‌دانم، ولی من دنبال هتل یا محل اسکان برای خود و خانواده‌ام هستم. | ما أعرف، لكن أدور فندق أو سكن لي ولعائلي. | زائر ایرانی |
| زائر، بفرما با من در موکب ...جا برای بانوان و آقایان وجود دارد. | زائر، تفضلوا معي، في موکب أباعبدالله، يوجد مكان للنساء والرجال. | صاحب موکب |
| از شما متشکرم و خدا این خدمتتون را قبول کند. | أشکرك و الله يتقبل منكم های الخدمة. | زائر ایرانی |
| بفرما، این اتاق برای شماست، هر چه لازم داری به من بگو. | تفضل هاذی الغرفه إلكم، أي شيء تحتاجه، گلیلی. | صاحب موکب |
| أجرتان با إمام حسین (ع) | أجرك مع أباعبدالله | زائر ایرانی |
| با اجازه شما، به پتو، بالش، آب جوش و قاشق نیاز دارم. | لوسمجت، أحتاج بطانيه ومخده ومای فایر وخاشوکه | |
| الان برایتان می‌آورم. ما خدمتگزار زائرین اما حسینیم. | هسه أجیبتک، إحنه إیخدمة زوار الحسین. | صاحب موکب |
| آن طرف، سمت راست، سطل آشغال، روشویی و سرویس بهداشتی | مناک علی اليمين، سلة النفايات والمغاسل والحمامات. | |

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی |
|--|---|
| سپاسگزارم. ماشین‌های عتبات کجاست؟ | شکر آک، وین سیّارات العتبه؟ |
| می‌خواهم فردا آرامگاه امامزاده سید محمد را زیارت کنم. | باجر اريد اروح ازور مكام سيد محمد. |
| فقط، ایستگاه بازرسی را رد کنی. روبرویت ماشین‌ها را خواهی دید. | بس، إتعدی السیطره، کدّامک راح إتشف . السیارات |
| به کاظمین رفتی یا بعداً می‌روی؟ | ریحت للکاظمین أو (بو) بعدک ؟ |
| به بعداً، فقط در ابتدا می‌خواهم به سامرا بروم. | لابعدنی، بس بل اول اريد اروح السامراء . |
| چگونه باید به سامرا بروم؟ | إشلون اروح السامراء ؟ |
| به کاراژ موحد در خیابان میثم التمار برو و ماشین وّن بگیر، برای تو بهتره. | روح إکراج الموحّد فی شارع میثم التمار، و أخذ کتبه أحسن لک. |
| و بعد از نماز ظهر، به کاظمین برگرد و امامان را زیارت کن و برایت دعا کن. | وبعد صلاة الظهر، إرجع للکاظمین و زور الإمامین و ادعی لی. |
| ممنونم، چه چیزی باید با خودم ببرم؟ | أشکرک، شنو لازم أخذ وّتای؟ |
| فقط، گذرنامه و مدارک شخصی خودت را ببر. | فقط، أخذ جوال سفرک و المُستمسکات. |
| الان، دخترم تب کرده و پزشک لازم دارد. بیمارستان کجاست؟ | هسه، بتی إمسخنه و تحتاج طبیب، وین أکو مستشفی؟ |
| داروخانه و درمانگاهی نزدیک است. در خیابان پشت این موبل قرار دارد. | أکو صیدلّه و مستوصف قریب، إیشارع إلی ورا الموبل . |
| بیمارستانی نزدیک به اینجا وجود ندارد؟ | ماکو مُستشفی قریبه من إهنا ؟ |
| اگر می‌خواهی، به بیمارستان منطقه حر، بعد از چهار راه سوم، سمت راست برو. | إذا ترید، روح المستشفی حی الحر بعد القاطع الثالث جیه الیمین . |
| از شما تشکر می‌کنم، خدا خیرت دهد. | أشکرک ، جزاک الله خیرا ! |
| خواهش میکنم، به حقّ بیمار کربلا، خداوند شفایش دهد. | العفو ، الله یشافیهنا بحق مریض کربلاء . |

مکالمه پنجم: خرید سیم کارت

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|--|----------------------|---|
| سلام | زائر ایرانی | سلامٌ عَلَیکُم. |
| سلام | فروشنده عراقی | عَلَیکُم السَّلام و رَحْمَةُ اللهِ و بَرَکاتِهِ. |
| عصر به خیر. | زائر ایرانی | مَسَاءً الْخَیْر! |
| عصرتون به خیر. | فروشنده عراقی | مَسَاءً النُّور! |
| بیخشید (معذرت می خواهم). | زائر ایرانی | أَلْـمَعْذَرَة |
| خواهش میکنم، بفرما. | فروشنده عراقی | الْعَفْو، تَفَضَّل. |
| سیم کارت ها را کجا می فروشند؟ | زائر ایرانی | وِیْن یَبِیعُوْنَ شَرَائِحَ؟ |
| برو جلوتر، بعد از کوچه دوم سمت چپ. | فروشنده عراقی | رُوحْ کِدَامَ ، بَعْدَ الزُّقَاقِ الثَّانِی عَلَی یَسَار. |
| برادر، سیم کارت دارید؟ | زائر ایرانی | أَخِی (خویه)، عِنْدَک شَرِیحَه؟ |
| بله، سیم کارت [شرکت های] زین و آسیا دارم. با ۲ گیگ اینترنت رایگان. | فروشنده عراقی ۲ | إِی نَعَمْ، عِنْدِی «زین و آسیا». مَعَاهُمْ (ویاهم) اَتْنِینْ گِیْگِ نِتْ مِجَانِی. |
| سیم کارت [شرکت] زین را می خواهم. | زائر ایرانی | أَرِیدَ شَرِیحَةَ زَیْن. |
| تلفن همراه شما کار نمی کند. مشکلش چیست؟ آیا خرابه؟ | فروشنده عراقی ۲ | جَوَّالْکَ مَایَشْتَغَلْ، شَنُوْ مُشْکَلَتِهِ؟ خَرَبَانْ؟ |
| نه، باتریش خالیه. شما شارژر داری؟ | زائر ایرانی | لَا ، بَطَّارِیْتَه فَارِغَه . عِنْدَک شَاحِجْ؟ |
| بله دارم، قیمت هر کدام ۲۰۰۰ دینار. | فروشنده عراقی ۲ | إِی عِنْدِی، سِعرُ الْوَاحِدِ الْفَیْنِ دِینَار. |

| ترجمه | مکالمه به لهجه عراقی | |
|----------------------------------|--|-----------------|
| گران است، این یکی قیمتش چند است؟ | غالی ا هذا بیشِ سِعره؟ | زقرايراقی |
| هر دو مثل هم هستند، ۲۰۰۰ دینار. | نَفْسَ أَلشَّيْءِ، أَلْفَيْنِ دِينَار. | فروشنده عراقی ۲ |
| کی (چه زمانی) آماده می شود؟ | بَمَتَه یَجْهَیزُ؟ | زقرايراقی |
| نیم ساعت دیگر آماده می شود. | بَعْدَ نِصِّ سَاعَةٍ یَجْهَیزُ. | فروشنده عراقی ۲ |
| حالا باید آن را در شارژر بگذارم. | هَسَّه لَازِمُ أَخْلَى بِلشَّحْنِ. | زقرايراقی |
| خوبه، نیم ساعت دیگر می آیم. | لَیْنِ، أَجِی لَکَ بَعْدَ نِصِّ سَاعَةٍ. | فروشنده عراقی ۲ |
| من در خدمتم. | أَنِّی بِلْخِدمَه. | زقرايراقی |
| خدا حافظ. | فِی مَانِلَا (فِی أَمَانِ اللّٰه) | فروشنده عراقی ۲ |
| به سلامت. | مَعَ السَّلَامَه. | زقرايراقی |

پیوست ۲



وسایل مورد نیاز برای پیاده روی اربعین

۱- به هیچ وجه با خودتان چمدان‌ها و ساک‌های بزرگ و حجیم نیاورید (به خصوص خانم‌ها به این نکته توجه داشته باشند)، بلکه یک کوله‌پشتی راحت و متوسط انتخاب کنید.

۲- در همین کوله‌پشتی از آوردن بارهای سنگین و کمرشکن خودداری کنید. مسیر نجف به کربلا حدود ۸۵ کیلومتر است و بار سنگین، شما را از پا درمی‌آورد.

۳- همراه داشتن یک مفاتیح که اعمال زیارتی نجف و کوفه و کربلا را داشته باشد یا کتاب‌های مخصوصی که فقط این اعمال را ذکر کرده‌اند. بعید است بتوانید گوشی‌تان را داخل حرم‌های مطهر یا مسجد کوفه ببرید.

۴- یادتان هم باشد که در این مسیر، مدیران موکب‌های بین راه، آن قدر با کرامت با شما برخورد می‌کنند که لازم نباشد با خودتان خوراکی‌های زیاد و متنوع بردارید. بنابراین هیچ خوردنی در کوله‌پشتی خود برندارید مگر اینکه فرزند شیرخواری داشته باشید یا به خاطر نوع خاصی از بیماری به دارو نیاز داشته باشید که برای آن باید تمهیدات لازم را بیندیشید.

۵- همراه داشتن مقداری مویز و کشمش و مغزهای خوراکی برای زمان پیاده روی به خصوص در هوای نسبتاً سرد شب برای تأمین انرژی توصیه شده است.

۶- لیموترش را حتماً همراه داشته باشید و قبل از مصرف غذاهای گوشتی روی آن‌ها چند قطره بچکانید تا از مسمومیت‌های احتمالی پیشگیری کنید.

۷ با این حال، اگر مجبور هستید که وسایل زیادی به همراه داشته باشید، برای اینکه در طول مسیر خودتان یا همراهانتان اذیت نشوید، بهترین کار این است که یک کالسکه بچه با خودتان بیاورید و بارهایتان را روی آن بگذارید و با این وسیله آن‌ها را حمل کنید!

۸- در صورت امکان، از به همراه داشتن وسایلی از قبیل لپ‌تاپ، تبلت و هرگونه اشیای قیمتی، پرهیز شود، در غیر این صورت، به خاطر حفظ و نگهداری، هنگام بازرسی‌ها و تحویل به امانات و... در دسر زیادی برای زائر ایجاد می‌شود. استفاده از کوله‌پشتی برای حمل مختصر وسایل همراه، مناسب‌تر و راحت‌تر است.

۹- بین راه، مشکلی برای اسکان ندارید، چون موکب‌های فراوانی هستند که شما را با اصرار دعوت به ناهار و شام و استراحت و... می‌کنند. با این همه، سعی کنید پتوهای بزرگ و حجیم و سنگین با خودتان نیاورید تا اذیت نشوید. بهتر است که از پتوهای سبک سفری تهیه کنید تا در صورت لزوم از آن برای گرمایش خود بهره بگیرید. (برای فصول سرد)

۱۰- حتماً یکی دو تا ملحفه سبک سفید تمیز و نیز چند ماسک یک بار مصرف با خودتان بیاورید.

۱۱- استکان یا لیوان کوچک دسته‌دار (برای چای خوردن در طول مسیر)، خمیردندان کوچک سفری و صابون کوچک، ژل ضد عفونی و چند شامپوی کوچک هتلی، مهر و جانماز کوچک و خودکار و کاغذ یا دفترچه کوچک از ضروریات است.

۱۲- داشتن کلاه خیلی به شما کمک می‌کند، پیشنهاد می‌شود کلاهی انتخاب کنید که گوش‌هایتان را هم بپوشاند و اگر لبه‌دار هم باشد برای در امان بودن از آفتاب و نور شدید، عالی است. برخی آوردن یک چتر کوچک یا عصای کوهنوردی را هم توصیه می‌کنند، اما دقت داشته باشید که بارتان را خیلی سنگین نکنید، به خصوص اگر محل اسکان نداشته باشید.

۱۳- حتماً دو سه تا چفیه و یک حوله متوسط بیاورید. این چفیه‌ها برای پوشاندن سر و گردن، خشک کردن دست و صورت و انداختن روی بالش‌های خواب و خیلی موارد دیگر کاربرد دارند. برای بسیاری از افراد، کار حوله را هم می‌کند و می‌توان از حوله استخری صرف‌نظر کرد تا بارتان سبک‌تر باشد. یک سربند هم با خودتان بردارید.

۱۴- مسئله کفش خیلی برای پیاده‌روی مهم است. اگر امکان تهیه کفش‌های خوب را ندارید، بهتر است از کفش‌های تازه خریده و نو در این مسیر استفاده نکنید. کفش‌های کتانی معمولی هم علی‌رغم آنکه راحت‌تر به نظر می‌رسند شاید بهترین گزینه نیستند. بهتر است از کفش‌های سبک پیاده‌روی استفاده کنید. در میان گزینه‌های درجه دو، دمپایی البته بهتر و راحت‌تر است، اما دمپایی از نوع پلاستیک‌های سخت نباشد؛ بلکه لاستیک نرم و منعطفی داشته باشد.

۱۵- اگر با کفش یا دمپایی هستید سعی کنید از مسیر خاکی کناره و نه آسفالت حرکت کنید تا خستگی کمتری به سراغتان بیاید.

۱۶- قبل از سفر، سیستم ایمنی بدنتان را تقویت کنید.

۱۷- همراه داشتن مقداری عسل به همه توصیه می‌شود.

۱۸- تعدادی چسب زخم و وازلین یا پماد مخصوص ترک خوردگی یا تاول همراه داشته باشید.

۱۹- عرق سوز شدن در این مسیر طولانی، طبیعی است. توصیه می‌شود قبل از راهپیمایی و در طول مسیر به صورت منظم با روغن زیتون، نواحی موردنظر را چرب کنید. این توصیه به کسانی که کمی چاق‌ترند بیشتر تأکید می‌شود. در این زمینه پودر بچه (تالک) و کرم کالاندولا و ویتامین AD هم توصیه شده است.

۲۱- دستمال مرطوب، گزینه بسیار بسیار مهمی است. همین طور پد الکلی. اولی برای اینکه سر و صورتتان را تمیز کند و بوی عرق بدنناتان را بگیرد؛ و پد الکلی هم برای مواردی که احتیاج به ضدعفونی سریع داریم مثل شیر آب، دستشویی، قاشق، چاقو و... خیلی اهمیت دارد و می‌تواند خیلی سریع کارتان را راه بیندازد.

۲۲- حمیان‌های مسافرتی حاجیان یا کیف‌های زیرلباسی مدارک که برخی شرکت‌های مشهور تولید می‌کنند، همراهان بسیار کارآمد و مفیدی است. در طول سفر، بیش از همه چیز، مواظب گذرنامه‌هایتان باشید. از کسی می‌توانید قرض کنید، اما اگر گذرنامه‌تان را گم کنید به گرفتاری شدیدی دچار می‌شوید.

۲۳- پول و اشیای قیمتی‌تان را در دسترس قرار ندهید و همه آن‌ها را در یک جیب یا یک کیف نگذارید که اگر به هر دلیلی آن‌ها را از دست دادید، برای خودتان و همراهانتان مشکل ایجاد نکنید.

۲۴- بهتر است به جای کاپشن و پالتوهای بزرگ و دست و پاگیر، از دو سه تا لباس متوسط و یک کاپشن معمولی استفاده کنید تا در موقع حرکت هر چه گرم‌تر شدید، یکی از این پیراهن‌ها یا بلوزهای معمولی را کم کنید. (برای فصول سرد)

۲۵- از قرار دادن مدارک و پول در جیب عقب شلوار پرهیز شود و بهتر است در جیب داخل که دارای دکمه و زیپ است، قرار گیرد. در صورت امکان از کیف‌های کمری یا گردن آویز استفاده شود.

۲۶- کتاب‌های صوتی مرتبط و برخی شعرها یا سخنرانی‌ها و مرثیه‌خوانی‌های برگزیده خوب را دانلود کنید تا در طول مسیر، حال و هوایتان هر چه بیشتر معنوی باشد.

۲۷- شارژر تلفن همراه یا دت‌ان نرود، شارژر دوربین همراه داشته باشید البته مراکزی برای شارژ در طول مسیر تعبیه شده است.

۲۸- همراه داشتن چند کیسه زباله (سایز بزرگ) توصیه می‌شود. این کیسه‌ها در صورت بارندگی برای شما نقش بارانی بسیار خوب و راحتی را ایفا می‌کند. علاوه بر آن می‌تواند وسایل (مثلاً پتوی) شما را هم از خیس شدن حفظ کنند. در مواقعی که ممکن است محل نشستن یا خوابیدن شما تمیز یا خشک نباشد به عنوان حایل بین زمین و زیرانداز شما عمل می‌کنند. از طرفی وزن و حجم چندانی هم ندارند.

راه‌های سفر زمینی به عراق

راه‌های هوایی سفر به عراق از بسیاری از مراکز استان‌ها مثل مشهد و شیراز و اصفهان و تبریز و آبادان و تهران، فراهم است. راه‌های زمینی که محبوب‌ترین راه‌ها در ایام پیاده‌روی اربعین است، شامل پایانه‌های مرزی مهران، چذابه، شلمچه و مرز خسروی است.

مرزهای مشترک ایران و عراق

ایران و عراق، چهار مرز مشترک دارند، مهم‌ترین و پرازدحام‌ترین مرز، مرز مهران است که در جنوب استان ایلام قرار داشته و تا نجف حدود پنج تا شش ساعت است. مسیر بعدی، مرز شلمچه است که در استان خوزستان قرار دارد و تا نجف، شش تا هشت ساعت است.

مرز چذابه که از جمله مرزهای محبوب برای سفر به عتبات است، در استان خوزستان بوده و با نجف، پنج تا شش ساعت فاصله دارد. چهارمین مرز نیز مرز خسروی بوده که در استان کرمانشاه قرار دارد و با نجف، پنج تا هفت ساعت فاصله دارد.

آغاز مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا

آغاز مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا، از درب آستان مقدس امام علی به نام باب‌الساعة است در کنار خیابان امام زین‌العابدین نجف قرار دارد. از این خیابان وارد بزرگراه شده و به کربلا می‌روید. از ابتدای نجف تا انتهای شهر نجف، ۱۸۲ عمود قرار دارد و پس از آن، عمودهای نجف تا کربلا قرار دارد که بین ۵۰ تا ۶۰ متر فاصله داشته و از صفر تا ۱۴۵۲ عمود در پیش دارید. عمود ۱۴۵۲، عمود سلام به ساحت مقدس امام همام است.

توجه کنید که موکب‌ها، بر اساس شماره عمودها استقرار یافته و برای پیدا کردن موکب، کافی است شماره نزدیکترین عمود به آن را بدانید. توجه کنید

که از عمود ۱۱۰۰ تا ۱۳۹۰، عمودهای کمتری در مسیر است و بهتر است مسیر شما به گونه‌ای باشد که فاصله بین عمود ۱۱۰۰ تا ۱۳۹۰ را در شب طی نکنید. چون پیدا کردن محل خواب کمی دشوار می‌شود.

«طریق العلماء» یا «طریق الفرات»

نام مسیر قدیمی زائران پیاده کوفه به کربلاست که از کنار شط فرات و نخلستان می‌گذرد. در گذشته با توجه به محدودیت‌های ظالمانه رژیم بعث صدام و ممنوعیت پیاده‌روی اربعین و زیارت حرم اباعبدالله الحسین (ع)، این مسیر تنها راه امن، جهت وصول به کربلا به حساب می‌آمد که علما و طلاب حوزه علمیه نجف اشرف و برخی مردم از بین باغ‌ها و کنار شط فرات به سمت کربلا حرکت می‌کردند و به همین جهت به طریق العلماء شهرت یافت. علت انتخاب هم پوشش نخلستانی مسیر و امکان پنهان شدن در شرایط تعقیب و گریز بود. در دوره‌هایی از حکومت بعث، به دستور صدام، در بخش‌هایی از این مسیر تک تیراندازهایی مستقر شده بودند و این مسیر را مزین به خون برخی از عاشقان امام حسین (علیه السلام) کردند. اهالی این منطقه از عشیره حواتم (حاتم طایی) می‌باشند که از سال‌های دور نسبت به پذیرایی زائرین حضرت و حفظ جان‌ها خدمات قابل توجه‌ای داشته‌اند. طریق العلماء یا طریق الفرات نام مسیر قدیمی زائران پیاده کوفه به کربلاست و از کنار رود فرات می‌گذرد که امن‌ترین راه برای پیاده‌روی در زمان دیکتاتوری صدام به شمار می‌رفت.





همان طور که در عکس مشاهده می‌کنید، از مرز چذابه وارده شرح شده و به العماره رفته و از آنجا پس از گذر از منطقه فجر، راهی عفک و دیوانیه می‌شوید. این مسیر، حدود ۲۰۰ کیلومتر است. از دیوانیه، دو راه برای رفتن به کربلا دارید. یکی وارد حله شده و به کربلا بروید. دیگری همان طور که در عکس بالا مشخص شده است، مسیر دیوانیه و شامیه و نجف اشرف است. از نجف به کربلا نیز حدود ۸۰ کیلومتر راه است. عکس بالا، راهنمای خوبی برای علاقمندان به زیارت در کربلای معلی است. تل زینبیه، نزدیک حرم امام حسین بوده و خیابان‌های سدره، باب‌البغداد، قبله‌الحسین، خیابان جمهوری و قزوینیه (شهید صدر)، به بین‌الحرمین منتهی می‌شود. خیابان فرعی نزدیک به حریم شریفین نیز میثم تمار، قبله‌العباس و امام علی و امام مهدی نام دارد.

نقشه مسیر نجف به کربلا را در عکس بالا مشاهده می‌کنید. در مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا، عمودهای بسیاری وجود دارد. در عکس، برخی از عمودها را مشاهده می‌کنید که جایگاه آن‌ها برای مسیریابی و ارتباط با دوستان و آشنایان و قرارهای بین مسیر مهم است.

مسیر پیاده روی اربعین از سمت مهران

اگر قصد دارید، مسیر اربعین را از سمت مرز مهران طی کنید، باید ابتدا وارد استان ایلام شوید. از آن جا به صالح آباد بروید و پس از طی مسیر، به مرز مهران رسیده و تشریفات قانونی را طی کنید. پس از طی ۱۲ کیلومتر، وارد بدره شده و پس از طی مسیر ۷۰ کیلومتری، وارد کوت می‌شوید. از کوت تا منطقه نعمانیه حدود ۳۳ کیلومتر راه است. از نعمانیه تا شوملی نیز حدود پنجاه و چهار کیلومتر فاصله می‌باشد. از شوملی تا حله نیز حدود چهل و پنج کیلومتر و از حله تا کربلا معلی نیز حدود چهل و یک کیلومتر که در نقشه فوق مشخص شده است. در فاصله منطقه حله تا کربلا، منطقه الهندیه قرار دارد.

اگر قصد داشته باشید تا از محور مهران به کربلا، وارد نجف اشرف شده و به زیارت آستان امیرالمومنین علی(ع) بروید، بایستی از شوملی به سمت دیوانیه حرکت کرده که ۴۰ کیلومتر مسافت پیش روی شما خواهد بود. از آنجا تا شافعیه، ۱۹ کیلومتر و از شافعیه تا شامیه، ۲۴ کیلومتر راه است. از شامیه تا نجف اشرف، حدود ۱۵ کیلومتر مسیر است.

| فاصله‌های مهم دریاده روی اربعین | | | | | |
|---------------------------------|-----|-------|--------|-------|-------|
| شهر | نجف | کربلا | کاظمین | سامرا | تهران |
| نجف | | ۷۸ | ۱۸۰ | ۲۸۷ | ۱۰۵۵ |
| کربلا | ۷۸ | | ۱۱۵ | ۲۲۰ | ۹۷۶ |
| کاظمین | ۱۸۰ | ۱۱۵ | | ۱۲۵ | ۸۷۱ |
| سامرا | ۲۸۷ | ۲۲۰ | ۱۲۵ | | ۹۰۴ |
| مهران | ۳۰۳ | ۲۷۹ | ۲۸۳ | ۴۴۴ | ۷۶۶ |
| خسروی | ۳۸۰ | ۳۱۵ | ۲۰۳ | ۳۲۶ | ۷۰۰ |
| شلمچه | ۴۶۰ | ۵۴۹ | ۷۲۰ | ۸۰۰ | ۹۲۰ |
| چذابه | ۳۹۰ | ۴۶۰ | ۵۷۵ | ۷۵۵ | ۹۰۹ |

فاصله مرزهای ایران تا کربلا و نجف



فاصله مرزهای ایران تا کاظمین و سامرا



شماره عمود موکب های ایرانیان در محور نجف کربلا

موکب های محور نجف به کربلا که ایرانیان در آن حضور خواهند داشت
به شرح زیر است:

عمود ۷۶: مختار ثقفی

عمود ۱۸۱: ابوالفضل العباس

عمود ۲۰۲: فاطمه الزهرا

عمود ۲۸۵: امام رضا

عمود ۲۸۶: جابر بن عبدالله

عمود ۴۰۳: احباب الرضا

عمود ۴۳۹: شباب النجف الاشرف

عمود ۶۵۵: هانی بن عروه

عمود ۷۰۷: علی ابن موسی الرضا (بسیج شهرداری تهران)

عمود ۷۲۸: صاحب الزمان

عمود ۷۴۱: رایه الثقافی

عمود ۷۵۷: شباب الرضوی

عمود ۷۷۷: بیعت حسینی مازندران

عمود ۸۲۸: صاحب الزمان (خیرین تهران)

عمود ۸۴۰: هیات رزمندگان اسلام

عمود ۸۷۹: خیرین شیراز

عمود ۸۹۰: شباب قاسم

عمود ۹۰۳: شباب المقاومة

عمود ۱۰۲۷: شباب المنتظر

عمود ۱۱۲۰: خدام الحسین

عمود ۱۱۶۲: رضوان

